

بنیاد فرهنگی کهزاد

غزنه
حفريات و ترميم آثار

ترجمه: احمد علی کهزاد

غزنه

حفریات و ترمیم آثار

احمد علی کهزاد

بنیاد فرهنگی کهزاد

هیئت باستانشناسی ایتالوی از چهار سال به اینطرف در خرابه های غزنی مصروف حفریات است. امسال بعد از 70 روز کار مرحله چهارم کاوش در حالیکه پروفیسر توجی شخصاً از جریانات نظارت میکرد در حوالی 15 میزان به پایان رسید.

پروفیسر گولینی استاد دانشگاه تورین که در طی یک ماه اخیر به هیئت ایتالوی در غزنی ملحق شده و سال آینده از جریان حفریات سرپرستی خواهد کرد، ساعت پنج عصر روز پنجشنبه 21 میزان در تالار پوهنی ننداری بزبان فرانسه تحت عنوان فوق سخنرانی جالبی بعمل آورد که خلاص بیانات او از طرف رئیس انجمن تاریخ [احمد علی کهزاد] به فارسی ترجمه گردیده و یک سلسله عکس های مربوط به آثار و شواهد مکشوفه از حوالی بقعه سلطان ابراهیم و تپه سردار روی پرده نشان داده شد.

چون کنفرانس مذکور حاوی نکات تاریخی میباشد، خلاصه متن آن در مجله آریانا چاپ میشود.

«انجمن»

جلالتمایان، خانمها و آقایان!

قراریکه احضار محترم مسبوق هستند، هیئت باستان شناسی ایتالوی چهار سال است که در خرابه های شهر تاریخی غزنی مصروف تحقیق و حفریات است و اینک مرحله چهارم آن بعد از 70 روز کار به پایان رسیده و کوشش میکنم که کارهای امساله هیئت مذکور را بصورت بسیار خلاص بعرض برسانم.

البته هیچ کس انتظار نخواهد داشت که درین مختصر به نتایج تحقیقات تماس کنم زیرا هنوز حفریات در مراحل جریان است معذالک آنچه عملی شده و آنچه راجع به مرمت کاری و حفظ آثار در نظر داریم عملی کنیم هر کدام بجای خود قابل تذکار میباشد.

علت انتخاب غزنی برای حفريات از طرف پروفيسر توجی اهمیت دوره باشکوه غزنوی و غوری است که هر کدام در تاریخ هنر و فرهنگ و معماری جایگاه مهمی دارد و چون در همین نقطه مهم آثار دوره های دیگری هم به ملاحظه رسیده است، مصمم شدیم که حفريات را در گوشه های مختلف این ساحه عملی سازیم.

هیئت حفريات ایتالوی کوشیده و میکوشد که علاوه بر دوره های اسلامی شواهد مدنیت های قدیمی تر غزنی را هم تجسس کند.

به این ملاحظه است که حفريات یکی در ساحه قریب بقعه سلطان ابراهیم غزنوی و دیگری در تپه سردار شروع شده و جریان دارد. شبهه ئی نیست که در حوالی ده قرن پیش از امروز آفتاب تهذیب غزنوی با تشکیل امپراطوری بزرگ از ین نقطه طلوع کرد و پیشتر از آن مدنیت های دیگری در اینجا شعشه پاشی داشت چنانچه از تپه سردار بقایای عمرانات دوره های مختلف بودائی که منحیث سبک و روش آبادی در افغانستان سابقه ندارد، کشف گردیده است. چون طرف خطاب من اینجا بیشتر محصلان و محصلات دانشگاه ها هستند طوریکه بارها به شاگردان خویش در «تورین» گفته ام، حفريات علمی است که بیشتر گوشه های تخنیکي دارد و از نظر تئوری متکی به اسناد و شواهدی است که به تدریج ظاهر شده و به کمک آن مراتب خارجی روشن شده میرود ولی تا زمانیکه اسناد و شواهد بهم مربوط و مرتب نشوند در اظهار نظر احتیاط باید کرد.

هیئت حفريات ایتالوی علاوه بر حفريات، به سلسله مرمت کاری و حفظ آثار اهمیت بسیار قایل است و انتظار داریم با روشی که در نظر گرفته شده ابدات قیمتدار تاریخی غزنی یکی از مراکز بزرگ فرهنگی افغانستان برای همیشه حفظ و نگهداری شود. مسئله مهمی که امسال در حفريات نقطه اسلامی در جوار زیارت سلطان ابراهیم مکشوف شد مدخل قصر بود. قراریکه همه میدانند راهی از پای مناره های میگذرد. این راه یا راه قدیمی بوده و یا راه قدیمی موازی آن میگذشت که در داخل قصر به احتمال زیاد در همین جناح قرار داشت. امسال در ناحیه شمالی زیارت بقایای مسجد بزرگی کشف شد که پلان آن شکل مستطیلی داشته و دارای هشت فیل پایه بوده که بقایای قاعده های بزرگ مرمرین آن مزین با گلبرگ ها جابجا مکشوف شده است.

راجع به دروازه مسجد اینقدر گفته میتوانیم که مشتمل بر ستون پایه ها و کمان ها بوده که از خود تزئینات داشته و برخی شواهد آیات قرآنی در آن ها مشاهده میشود. در مجاورت محراب مسجد بقایای کامل سوخته و ذغال شده کتابی بدست آمده. احتمال دارد که مصحف مذکور جلدی از قرآن شریف باشد.

مسئله مهمی که از نظر تاریخ پیش رو داریم موضوع تاریخچه بنای قصر است. در برخی از سنگ نبشته ها نام مسعود سوم جلب نظر میکند ولی چون ترتیب لوايح کتیبه ها در بسیار موارد بهم سر نمیخورد، تعیین تاریخ صحیح آن عجالتاً خالی از اشکال نیست. گمان غالب بر ین میرود که آن حصص قصر که بهتر محافظه شده مربوط به دوره غوری باشد.

بلاشبه به نحوی که از کتیبه ها و از نام مسعود برمیآید قسمتی از آبادی های قصر به دوره غزنوی ها تعلق داشته چنانچه ملاحظه شواهد آبادی های قدیم تر این نظریه را تأیید میکند. بهر حال حفريات سال آینده و مطالعه دقیق سنگ نبشته ها معلومات دقیقی در ین مورد بما خواهد داد.

در تپه سردار پارسال بقایای یک استوپه بزرگ کشف شد. در اثر حفريات امسال واضح شد که اینجا مواجه با یک سلسله آبادی های مختلفی هستیم که از چندین قرن نمایندگی میکند. چیز مهمی که امسال در اینجا مکشوف شد پیدا شدن پنج استوپه کوچک و کرسی چندین مجسمه های بودائی است که در ضلع شرقی استوپه بزرگ هویدا گردیده است. این استوپه های کوچک از گل پخته تعمیر شده و مزین با هیكل های متعدد بوداهای ایستاده و نشسته میباشند. در حقیقت مصالح عمرانی ئی که به صفت «گل پخته» یاد کردیم، عبارت از گل زرد مخلوط با گاه است ولی در اصل استخوان بندی استوپه ها چوب هم بکار رفته است و روی کار را با وسائل و درجه حرارت بلند بشکل گل پخته درآورده اند.

در سائر اضلاع استوپه بزرگ چه در جنوب، و چه در شمال بقایای آبادی هائی هست که در حفريات سال آینده واضح خواهد شد.

این آبادی ها که مصالح آن چندان دوامدار نبود طبعاً در داخل محوطه ئی بنا یافته بود که دیواری اطراف آن را محاط کرده بود و برنده های حواشی آن را مصئون نگه میداشت. چنانکه شواهد ستون پایه های چوبی در جناح شمالی و جنوبی مشهود است و آثار ذغال و سوختگی پایه های مذکور روی زمین تشخیص میشود.

در زاویه جنوب غربی معبد شواهد پاهای مجسمه های بزرگی پیدا شده است. در مجاورت مجسمه مذکور ورقه های نیاتی با نوشته های بودائی به زبان سانسکریت پیدا شده است که به قرن 4 یا 5 مسیحی نسبت شده میتواند. این ورق پاره ها در میان جعبه ئی بوده که آثار آن روی خاک قابل تشخیص است. از روی این مثال گفته میتوانیم که در زوایای چهارگانه معبد مجسمه های بزرگی نشسته بودا نصب شده بود که هر کدام از 10 تا 12 متر بلندی داشت.

آغاز کار عمرانی معبد بودائی تپه سردار را به قرن اول مسیحی نسبت داده میتوانیم ولی بعد از آن آثار مرمت کاری ها و آبادی های دیگر هم در آنجا دیده میشود و آخرین مرحله عمرانی به قرن 8 یا 9 مسیحی تعلق دارد. از ملاحظات بر میآید که مدت طولانی حیات مذهبی بودائی در اینجا متوقف بوده و مجدداً با یک سلسله اصلاحات و افکار نوین تبارز کرده است چنانچه در طرح و حرکت انگشتان و دست های مجسمه ها این تجدد صبغه فکری را مشاهده میتوانیم زیرا مجسمه هائی در تپه سردار دیده شده است که دست های خود را یا زیر دامن لباس خود یا پشت سر خود پنهان کرده اند. بعضی مسکوکاتی که از اینجا بدست آمده به قرن 3 و 4 مسیحی ارتباط دارد.

آثار عمرانی قدیمه معبد تپه سردار در حصص فوقانی دیوارهای استوپه بزرگ مشهود است. سکه هائی که از ین قسمت ها بدست آمده به «هرمایوس» و «ویما کدفیزس»،

آخرین شاه یونانی و اولین شاه کوشانی کابل تعلق دارد و بدین مناسبت آغاز بنای استوپه بزرگ را به قرن اول مسیحی نسبت باید کرد.

حالا می‌خواهم چند کلمه راجع به مرمت کاری و حفظ آبدات و کارهای سال آینده هیئت حفريات به عرض تان برسانم. هیئت حفريات ایتالوی بفکر برداشتن و بردن کوچکترین آثار تاریخی غزنه نیست. بلکه همه را بصورت مؤقتی و بصورت اساسی مرمت کاری و محافظه خواهد کرد. چنانچه وزارت معارف افغانستان در بین زمینه همکاری قیمنداری نموده و با این افکار عملاً تشریک مساعی بخرچ داده است. مرمت کاری های مؤقتی عبارت از این است که آثار مکشوفه در طی زمستان با آمدن فصل برف و باران خراب نشوند.

مرمت کاری های اساسی سال آینده موازی با جریان حفريات ادامه خواهد یافت. همین الان بکمال مسرت اظهار میتوانیم که در جلگه فرخ غزنی شواهد آبدات تاریخی و آثار اسلامی و قبل از اسلام افغانستان نه تنها از زیر خاک برآمده بلکه مرمت کاری و محافظه هم شده اند. یقین داریم که در اثر دوام کار و عملی ساختن مفکوره حفظ آثار آبدات، این نقطه مهم افغانستان را طور پایه دار و دوامدار حفظ کنیم تا مقامی که شهر زیبای غزنی در جهان هنر و فرهنگ داشت و حلقه اتصال شرق و غرب بود به همگان خوبتر معرفی گردد. /مجله آریانا، شماره 214، اول عقرب 1339، کابل/نشر مجدد فیروزی 2012، بنیاد فرهنگی کهزاد/